

راز حلقه‌ی شفا

بن مایکلسن

ترجمه‌ی

بهار اشراق

دبیر مجموعه

شهرام اقبال‌زاده

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Touching Spirit Bear

Ben Mikaelson

سرشناسه:	میکائلسن، بن؛ ۱۹۵۲ - م. Mikaelson, Ben
عنوان و نام پدیدآور:	راز حلقه‌ی شفا / بن میکلسن؛ مترجم بهار اشراق
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۳۲۸ ص
فروست:	سلسله انتشارات - ۱۴۳۳، نوجوانان - ۱۳، داستان جهان و جهان
شابک:	داستان - نوجوانان - ۲۵ 978-600-119-459-7
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: Touching Spirit Bear, 2001
موضوع:	داستان‌های کودکان انگلیسی - قرن ۲۰ م.
شناسه‌ی افزوده:	اشراق، بهار، ۱۳۵۹ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ر ۹۴ م / PZ۷
رده‌بندی دیویی:	[ج] ۸۳۳/۹۱۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۲۶۶۹۶۶۷

ISBN: 978-600-119-459-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۴۵۹-۷



نشر قطره

راز حلقه‌ی شفا

بن مایکلسن

ترجمه‌ی بهار اشراق

ویراستار: ربابه نصیری امینی

دبیر مجموعه: شهرام اقبال‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپ: فام

تیراژ: ۵۵۰

بها: ۱۵۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳

دورنگار: ۸۸ ۹۶ ۸۹ ۹۶

۸۸ ۹۷ ۳۳ ۵۱-۳

صندوق پستی: ۵۱۶۵-۱۴۱۵۵

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	بخش اول: رویارویی با خرس اسپریت
۱۵	فصل اول
۲۹	فصل دوم
۴۴	فصل سوم
۵۴	فصل چهارم
۶۴	فصل پنجم
۷۲	فصل ششم
۸۶	فصل هفتم
۹۵	فصل هشتم
۱۰۶	فصل نهم
۱۱۲	فصل دهم
۱۲۳	فصل یازدهم

۱۲۹	فصل دوازدهم
۱۴۲	فصل سیزدهم
۱۵۵	بخش دوم: بازگشت به سوی خرس اسپریت
۱۵۷	فصل چهاردهم
۱۶۹	فصل پانزدهم
۱۸۱	فصل شانزدهم
۱۸۹	فصل هفدهم
۱۹۸	فصل هجدهم
۲۱۲	فصل نوزدهم
۲۲۳	فصل بیستم
۲۳۶	فصل بیست و یکم
۲۴۵	فصل بیست و دوم
۲۵۰	فصل بیست و سوم
۲۵۸	فصل بیست و چهارم
۲۷۱	فصل بیست و پنجم
۲۸۳	فصل بیست و ششم
۲۹۷	فصل بیست و هفتم
۳۰۵	فصل بیست و هشتم
۳۱۵	یادداشت نویسنده
۳۱۹	گفت‌وگو با نویسنده

یادداشت مترجم

در روزگاران قدیم، هنگامی که برف و سرما کردی زمین را فرا گرفته بود، غراب، آفریدگار زمین، بر آن شد تا زمین را به مکانی سرسبز و خرم تبدیل کند. اما چون می‌خواست یادگاری از خود به جا بگذارد که نمایانگر نیسای پاک، زلال، و پوشیده از برف و سرمای آن دوران باشد، از هر ده خرس یکی را سفید آفرید. او نوید داد که این خرس‌ها قدرتی استثنائی دارند و می‌توانند حامی و راهنمای انسان‌هایی باشند که به مرتبه‌ی خاص روحی و اخلاقی می‌رسند، و توانایی این را دارند که برای شکار ماهی در اقیانوس بی‌کران شیرجه بزنند و شنا کنند.

پس غراب مکانی باران‌زا را برای این‌گونه خرس‌ها در نظر گرفت و مقرر داشت که آن‌ها از آن به بعد در آن‌جا در

صلح و آرامش زندگی کنند. مردم تی سیم شین^۱ نام آن
خرس‌ها را «خرس اسپریت»^۲ گذاشتند و داستان آن‌ها را
برای نسل‌های بعد از خود تعریف کردند.

1. Tsimshian

2. Spirit Bear

– اگر خرسی لاندش را کنار این نهر بسازد، چه حسی به تو دست می‌دهد؟

کول شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «می‌کشمش.»
مرد شکم گنده با لبخند معنی‌داری سرش را تکان داد:
«حیوان‌ها هم همین احساس را دارند. این را فراموش نکن. تو تنها مخلوق این جا نیستی. بخشی از یک حلقه‌ی بزرگ‌تری. جایگاه خودت را بشناس. وگرنه روزگار سخت خواهی داشت.»

– آن جا چه چیزی هست که آدم بخواهد یاد بگیرد؟
– شکیبایی، ملایمت، استقامت، و راستگویی. حیوان‌ها از هر آموزگار دیگری بهتر به ما کمک می‌کنند که خودمان را بشناسیم.

مرد به سمت جنوب خیره شد و گفت: «کنار ساحل

بریتیش کلمبیا^۱ جایگاه خرس منحصر به فردی است که به آن «خرس اسپریت» می‌گویند. یکدست سفید است و غرور و شرافت در وجودش موج می‌زند، حتی بیش‌تر از آدم‌ها. کول گفت: «اگر بینمش می‌کشمش.» ادوین^۲ به نشانه‌ی هشدار کول را محکم‌تر گرفت و گفت: «هر بلایی که سر حیوان‌ها بیاوری سر خودت آورده‌ای، این را به خاطر داشته باش.»

1. British Colombia

2. Edwin